

# ستاره سرخ

## هدفی قدیمی، تاکتیکی جدید

وزیم تن به شکست خود عذر و توطئه‌ی نوسی که این بار تاکید را روی تاکتیک "نان فندی" می‌گذارد. شرح و بحث ارد شیرزادی در دست بردوردی "سیا" هم عامل اجرایی آن کردید.

این توطئه‌ی جدید حتمی است - نه فعالیت جنبشی - اعضای ساده گندراسون و سروهای غیر فعال و یا بیرون از جنبش برحوروی، مشاوران و مشاوران در از دیدن دراز مدت، حضور مثل - مامو - هد نش صبر و صبر و متلاشی بودن گندراسون و سازمانهای سیاسی خارج کشور است ولی ارد شیرزادی، ممدت و بصواب او پس گاد در راه رسیدن به استراتژی - جنبش سروی سر فعال و ار این سال بخود و بخش فراه - التحصیلان می‌باشد.

حکومت می‌خواهد این سیاست را بیاد بماند؟ با توجه به اوضاع و محیط از سیاست ای زیر استفاده میکند:

- ایجاد بدبینی نسبت به سازمانهای سیاسی در میان توده های وسیع و دانشجویان و کوشش برای ایجاد تفاهت بین نیروهای سیاسی فعال در درون این جنبش - توسعه ی شبکه ی تبلیغاتی خود در میان توده های وسیع دانشجویان \*

- تغییر تاکتیک در سطح سفارتخانه ها و کسولگری ها نسبت به امور دانشجویان - بجای کار نشکی های تندید سابق، "انجام کارها"

- ایجاد امکانات تغذیه ای - حتی اگر هم موقتی نسد - برای فارغ التحصیلان

- ایجاد امکانات برای مسافرت به ایران و تحت نام دیدار از میهن - تبلیغ وسیع به سود رژیم

- بکار بردن "نازیانک" نسبت به فعالان دانشجویی و از این طریق زهر چشم گرفتن از نیروهای فعال

البته علاوه بر این حتما رژیم تاکتیکهای دیگری هم بکار خواهد برد. در عمل باید آنها را شناخت و افشا نمود.

اما توطئه‌ی جدید رژیم مثل گذشته سرنوتنی جز شکست ندارد. زیرا:

اولا - بخش فعال جنبش دانشجویی خارج با جمعیتک از تجارب چندین ساله اش هر روز به هشیاری خود می افزاید. توطئه های رژیم را از پیش باز می شناسد و بطور مشخص مطابق با شرایط به دفع شرح می برد از

سیاست ایجاد بدبینی نسبت به فعالان سیاسی و سازمانهای سیاسی همچنانکه تا بحال موثر نیفتاده، باز هم موثر نخواهد افتاد. دانشجویان مبارز با درگیری در مبارزه، هر روز بیشتر به اهمیت تشکیلات سیاسی، به سازماندهی در سطوح مختلف و مبارزه به سبب های دیگر می برند.

ثانیا - بخش فعال جنبش دانشجویی خارج آگاهانه توانسته اند قدم های موثری در جلب توده های وسیع تر به جنبش متشکل دانشجویی بردارند و تمام شواهد حاکی است که مشی راستین جلب وسیعترین توده های دانشجویی و متشکل ساختن آنها، بعنوان برجم رژیم ای در بینایش جنبش به جلو رانده می شود. بدون شک با یافتاری روی حرکت از سطح و مسائل وسیعترین توده ها - نه از سطح فعالین - جنبش قادر است با برنامه ریزی مشخص، دقیق و بیگیر، آگاهی سیاسی توده های وسیع را که رژیم با سیاست تطمیع و فریب خود می خواهد بقیه در صفحه سوم

سالمات رژیم ایران به راههای گوناگون مذ بوحاشه تلاش دارد - جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی دانشجویی خارج و گندراسون، سازمان متشکل آن را نابود سازد. اما بر اثر هشیاری و استخوان مبارز هر بار توطئه ای با شکست روبرو شده و قدم به قدم بر قدرت جنبش و گندراسون افزون گردیده است.

وزیم شاه در توطئه های خود اساسا از دو تاکتیک - "نان فندی" و "نازیانک" استفاده کرده و بر حسب اوضاع تاکید را روی این یا آن می‌گذارد. با اعلام خبر قانو نی کردن گندراسون - نازیانک سیاه خود را بر سر کشید چون گمان می برد بایک صربه نادر است آفرامتنسی سازد. عمل - عکس بند ارهای رژیم را به ثبوت رساند.

جنبش دانشجویی نه تنها متلاشی نشد بلکه قدم به قدم استحکام یافت و رژیم مجبور به عقب نشینی شد. در این میان ماهیت مشی سازشکارانه و تسلیم طلبانه ی رژیون - نیستها هم که با افزایش حمله خود به گندراسون - آپ، به آسباب رژیم می‌ریختند - اینها از پیش افشا گردید.

اما از آنجا که فتنه گری جزو ماهیت درجه یک است،

## امر بدرابه امر خوب تبدیل کنیم

میگوید: "خلق چین پس از تحقیقات و تجسبات طولانی دریافت که در یگانوهای نظامی - مالکن ارض - مستبدین و متنفذ بین محلی و امپریالیستها همگی دشمن در دست دارند و آماده ی کشتن اند. خلق این امر را در یکسر دریافت و بنا بر این مقابله بمنل میکند." (وضعیت و سیاست مابین ازبهریزی در جنگ مقاومت ضد ژاپون -)

هم اکنون در جهان، امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپیر یالیسم شوروی آفت زده ست به اعمال بلید و تجاوزی زده اند که توده ها در سطح وسیعی به نترس آنها آگاهی یافته و علیه آنها مبارزه بر خاسته اند. امپریالیسم آمریکا که خود راناجی صلح حامیز آفت زده تجاوز و دست اندازی بسر داخله که خشم کلیه خلقهای جهان را علیه خود برانگیخته است و با هر آنچه که او انجام میدهد، خلقهای جهان مخالفت میکنند و به هر جا که دست اندازی میکند، بمبارازه علیه او بر میخیزند. رژیونیسیم مدون شوروی نقش معلم نمونه منفی را در عمل و تئوری بازی میکند. احیای سرمایه - داری و فرقه شدن بوروکراتها در شوروی - احیای رژیونیزم - بقیه در صفحه سوم

تاریخ جنبش کارگری و انقلابی میهن ما دارای صفحات درخشانی است. توده های میهن ما برای رهائی از یوغ امپریالیسم و ارتجاع داخلی از مدتی پس طولانی مبارزه و جافشانی میکند. پیروزیهای بدست آورده و شکستهای خورده اند. بنظر ما یکی از علل اساسی شکستها در سبب تفکر برحورید یکجانبه به مسائل و پدیده ها بوده است.

عدم وجود یک برنامه دقیق آموزش مارکسیستی - لنینیستی و تربیت منظم کارهای انقلابی بر اساس مائریالیسم دریا - نشک اریکسو و ناسرگه اری اند تئوروی و سبب تفکر خرد و بورژوازی بورژوازی و سطرکان در جنبش کارگری از سوی دیگر رسیه و امکانات این گرایش نادرست را بوجود آورده است. مائریالیسم و یالکیک بما می آموزد که قانون وحدت اعدا فای اساسی جهان است. لنین میگوید: "دو گانه شدن یک واحد کل و معرفت بر اجزا" متضاد ش جوهر و اساس یالکیک را میسازد ("در باره مسائل دیالکتیک"). این عمل تئوری است که رفیق مائوتسه دون آنرا در و گانه شدن یکانه می نامد. این مابین بر آنستکه شناخت دقیق اید پده عاریماي دست میدهد که بر هر دو جهت عا و آگاهی یافته و آنها را مورد توجه قرار دهیم. زمانیکه مکونم جنبش در گد شده بکرات و جاری گجابه گری شده است بدین معنی است که سوانسه بد رستی از جواب مختلف سراد های عطفی در جامعه ارزیابی نماید و با شناخت عیوان و اوضاع سیاست و رهنمود هائی مطابق با روند عی رند پدیده ها بخاطر سرجم در مسیر آنها پیش سهد. سونه رهبری حزب توده ایران در یکجانبه گری برای انقلابیون آورنده است. جنبه توده می آوریم: غرق شدن در کار فانی تا بهمن ۱۳۲۷ و انتخاب راه پارلمانریستی، بر حورید های راست روانه و جب روانه به بورژوازی ملی، غرق شدن و کم سهاد ان به نیروی ارتجاع من ار ۲۰ مرداد ۱۳۳۲ و بر بها و مطلق نشان دادن قدرت دشمن و عدم ایمان به نیروی مبارزاتی خلق بعد از ۲۸ مرداد ...

یک زبسه از این یکجانبه گری در جنبش نیاموختن از مملعت نمونه منفی است. وجه علاوه بر آموزش از نمونه مثبت بایستی به آموزش از نمونه منفی نیز توجه داشت.

و اد ار کی لاشائی خاشن یارد یگر مارابرتان دانست که به آموزش مجدد در این مورد برد و رک خود را در این زمینه از مائریالیسم و یالکیک بالا ببریم. نتیجه مطالعه خود را مختصرا در زیر میآوریم:

وجود مملعت نمونه منفی و انیمیتی عینی و خارج از اراده ماست و نازمانیکه طبقات سوسیالیزات طبقاتی موجود است این نیز وجود خواهد داشت.

طبقات استثمارگر، امپریالیستها، رژیونیزم نیستها، اورتونیسیتها و رنکارنک و خاشتن بطور عینی موجود اند. اینها مملعت نمونه منفی هستند و خلق در تماس و برخورد با آنهاست که تجدید آموزش می یابد. زحمتکشان در تماس با استثمارگران و نظامهای استثمارریست که بسبب تقسیم نادرست ثروت اجتماعی می می برند و علیه آن بمبارازه بر میخیزند، از مدتی خوخی و جنایات گوناگون استثمارگران و نفوقه افکنیهای آنها می آموزند و بخاطر مبارزه با آنها متحد شده و سازماندهی میبیرد ازند. از یکاربرد قهر ضد انقلابی استثمارگران درس گرفته و به شهرنشانی متوسل می شوند.

رفیق مائوتسه دون به آموختن از معلم نمونه منفی توجه زیاد دارد. او تجربه خلق چین را در این مورد چنین جمعیتک

## پیروزی انقلاب فلسطین حتمی است

در ماه گذشته هنگامیکه ارتش صهیونیستی اسرائیل به ساست بیست و پنجمین سالگرد تاسیس اسرائیل در اورشلیم رزه می رفت، دستکامهای تبلیغاتی رژیم با اب و تاب بی نظیری از قدرت نمائی آنها سخن می گفتند و می خواستند چنین جلوه دهند که اسرائیل شکست ناپذیر است و ماندنی! همان هدی که صهیونیستها از رزه خود دنبال می کردند. این امری تمارنی نیست و یاشی از برخورد و سیاست رژیم شاه نسبت به انقلاب فلسطین، تجاوز و تبهکاری صهیونیسیم می باشد.

دستکامهای تبلیغاتی رژیم شمانند دستکامهای تبلیغاتی امپریالیستهای غربی، هنگامیکه روند گمان انقلاب فلسطین در میدانهای نبرد، در مناطق تحت اشغال صهیونیستها با ارتش اسرائیل می جنگند و غربا مصلحتی بر آنها وارد می سازند، آنها حاد به ای کوچک جلوه می دهند و فدائیان شهروان را که بی هراس از سختی ها و مرگ به مبارزه یی امان می برد ازند تا از حیثیت و شرافت ملی خلق فلسطین دفاع نمایند. "خرابکار" می نامند. در برابر، هنگامیکه جنایتکاران نظامی اسرائیل اردوگاههای بنامند ثان فلسطینی را بمباران می کنند، اطفال معصوم را به قتل می رسانند و به ترور رهبران انقلاب فلسطین در خیابانهای بیروت می پردازند آنها را "بیروغای امیتی اسرائیل" می خوانند

بزم دستکامهای تبلیغاتی رژیم آنچه خلق فلسطین نیروهای مسلح آنها و ارتش آزاد یخشن فلسطین انجام می دهد "تخریب و خرابکاری" است و هر جنایتی را که صهیونیستها مرتکب می شوند، "اقدامات امنیتیسی" "حفاظت" و "برقراری" نظام" می خوانند.

از کوزه همان تراود که در اوست، این مثل در مورد سیاست رژیم در برخورد به انقلاب فلسطین صادق است. از رژی می که در داخل کشور هم دشمنی بدست خسون انقلابیون را می ریزد و دست به دست مبارزین میهن بر و از خود گد شده را به میدانهای تیرباران روانه می راز از رژی می که نفت کش عایش را روانه اسرائیل می کند تا

سوخا او را که جنبه ی حیاتی آن دارد تامین کند، کار - شناسان مختلف اسرائیلی را به ایران دعوت می نماید و سازمان امنیتش با سازمان امنیت اسرائیل همکاری نزدیک دارد. انتظار دیگری نمی توان داشت.

اما این تازه بخشی کوچک از تبلیغات علیه انقلاب فلسطین را تشکیل می دهد. بخش بزرگتر تبلیغات رژیم کوشش عبت اوست در اینکه نشان دهد که شعله های انقلاب فلسطین رو به خاموشی است. فدائیان فلسطین تنی چند پیش نیستند، آنها تئوریسیت اند و آینده ای هم ند دارند. آنچه هست مساله ای انقلاب فلسطین و سرنگونی رژیم صهیونیستی اسرائیل نیست بلکه اجرای نظامنامه ۱۹۷۲ شورای امنیت و سازش میان اسرائیل و دولت ملی نفع عربی است. این تبلیغات رژیم موثرانه تر و حیله گرانه تر از تئوریه قبلی صورت می گیرد. در این مورد هم با امپریالیستها و رزحمتین عرب که ضد انقلاب فلسطین هستند همراه و همدم است. باید گفت در این امر شریک جرم بدبتری عم دارند، رژیونیزم نیستها و سوسیال - امپریالیستهای شوروی. آنها هم به زبان خود مذ بوحا می گویند. مساله خاورمیانه را که اساسا مساله انقلاب خلق فلسطین است به مساله ای اختلاف میان دولت عربی تبدیل سازند. بزعم آنها حل مساله خاور میانه یعنی حل مساله ی سرزمین های اشغال شده در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل.

اما واقعیت چیز دیگری است. انقلاب فلسطین هسته مرکزی تمام مسائل خاورمیانه عربی را تشکیل می دهد. تنها بایبوری این انقلاب است که می توان ریشه سرطان صهیونیزم را برانداخت. در عین حال انقلاب فلسطین خاتمی نشدنی است زیرا مبارزه خلق فلسطین و دیگر خلقهای عرب حق طلبانه است و تا هنگامیکه حق خود را بدست نیابرد، آرام ندارد. نمی ایستد و خاموش نمی شود.

این جانب واقعیت که انقلاب فلسطین مجبور شده راه بر بیچ و خمی را طی کند به هیچوجه نمی تواند به معنی بقیه در صفحه دوم

# خلق را متحد کنیم، دشمن را درهم شکنیم!

پیش: پیروزی انقلاب فلسطین...  
خاموش شدن شعله نای آن تلقی گردد زیرا انقلاب فلسطین بطور عینی با ویژگی‌ها و مسائل بفرنجی روبروست:

انقلاب فلسطین با دشمنی روبروست که سرزمین او را تمام و کمال اشغال کرده و خلق را از این راه است. این ویژگی بدتر در تاریخ اتفاق افتاده است.

اوراق خلق فلسطین در کشورهای مختلف عربی - بخصوص کشورهای که دارای حکومت‌های ارتجاعی و ضد انقلاب فلسطین هستند از یکسو جبهه ضد انقلاب فلسطین را گسترش داده و از سوی دیگر جبهه متحد توده‌های فلسطین و این کشورها را بوجود آورده.

صهیونیسم بخشی از امپریالیسم جهانی است و امپریالیست‌ها بویژه امپریالیسم آمریکا با تمام نیرو از حفظ آن پشتیبانی می‌کند.

سوسیال - امپریالیسم شوروی که در لباس سوسیال لیسم و "دفاع از خلق‌های عرب برای تقسیم مجدد منطقه نفوذ در خاورمیانه با امپریالیسم آمریکا رقابت و تنبلی می‌کند" این تصویر بفرنج را بفرنج ترس نموده است.

وجود زمینکنان یهود در اسرائیل و ایجاد وخت با آنها در مبارزه علیه صهیونیسم - امپریالیسم ویرگی دیگری است که باید به حساب آورده شود. اما هر انقلاب کبیری که با مسائل فراوانی روبرو بوده از فراز و نشیبها و از پیچ و خم‌های فراوانی گذشته است. هم اکنون تجارب انقلاب فلسطین و دیگر خلق‌های عرب به گنجینه‌ای غنی تبدیل گردیده است این گنجینه که با خون هزاران شهید رنگ گرفته است اساس حکنی را برای کسب پیروزی نهایی بوجود آورده است.

این واقعیتی است که توطئه صهیونیسم - امپریالیسم در ایجاد یک اسرائیل متجاوز بر روی موطن فلسطینی‌ها به پیروزی رسیده است اما با اطمینان می‌توان گفت که این موفقیت موقتی است و پیروزی نهایی مطمئناً از آن انقلاب فلسطین خواهد بود. چرا؟ دلایل زیادی موجود است ما سه دلیل اساسی را در زیر ارائه می‌دهیم:

۱- حساب امر خلق فلسطین و دیگر خلق‌های عرب و سایر سرزمین‌های صهیونیسم - امپریالیسم: اسرائیل کبوری با ایدئولوژی صهیونیستی بدست امپریالیست‌ها و با زور ارتجاعی بوجود آمده است. در کنگره سال (سویس) در سال ۱۸۹۷ صهیونیسم‌ها ترسیدند و توطئه ایجاد یک اسرائیل را رخنه‌سند. امپریالیست‌ها هم به موقع از آن استقبال کردند و با قیام ویر امور خارجه بریتانیا در سال ۱۹۱۷ "ایجاد یک سرزمین ملی یهود" را مطرح ساخت. بعد از آن در سال ۱۹۲۰ "حماه‌ی ملل" سرزمین فلسطین را به زیر

تعمیم امپراتوری بریتانیا قرار داد. در جشن اوضاعی صهیونیسم زمانه‌ها حالت عقلی بدست آورد و در میان یهودیان دست به تدابیر سیاسی زد و آنها را به مهاجرت به سرزمین فلسطین تشویق کرد. مهاجرین با تأمین آن از انگلیسها گرفتند. تدریجاً به خاک فلسطین وارد شدند. اقربان را از منازل و خانه‌هایشان بیرون رختند و خود جای آنها را گرفتند. اغتشاشات و اعتراضات اسرائیل فلسطین به حاشی نشاند زیرا نیروی دشمن نوی تر بود. هنگامیکه امپریالیست‌ها در برابر جنایات نازیسم درگنشتار دسته جمعی یهودیان را زانو زدند برای توبیخ خیانت خود از در بند دوستی در آمدند و باز هم بیشتر از مهاجرت یهودیان به فلسطین پشتیبانی نمودند. صهیونیسم هم برای تحمیل مردم از مساله سرکوب یهودیان بی‌گناه توسط هیتلر کمال سوء استفاده را نموده و بدین وسیله افکار عمومی را برای جنایات بازم سنگین تری در حق خلق فلسطین آماده ساخت.

یهودیانی که در آغاز قرن بیستم تنها ۲٪ جمعیت فلسطین را تشکیل می‌دادند در اوائل سال ۱۹۴۸ به ۵۰٪ جمعیت رسیدند. در این زمان با پشتیبانی آشکار و مخفی نیروهای امپریالیستی جنگی برای نابودی فلسطین و فلسطینی‌ها بر پا کردند. تاکیکه آنها بسیار با بود: آنچه فلسطینی است باید نابود شود. خنایه‌های ده کفر یاسین - دهی که نیروهای صهیونیستی حتی به جبهه‌های شیرخوارش رحم نکردند همه را از زن و مرد کوچک و بزرگ مثل عام نمودند و از همان همه خلق‌های عرب و خلق‌های جهان باقی مانده است. پس از آن ۶۰ هزار فلسطینی غرق در عزای شهیدان مجبور شدند

خانه و کاشانه‌ی خود را رها کنند. آورده و درید رهنمون. کی حق دارد و کی حق ندارد؟ جواب این سؤال بسیار روشن است: حق با خلق فلسطین است. این است اولین دلیلی که شعله انقلاب فلسطین را همیشه روشن نگه خواهد داشت.

علاوه بر این صهیونیست‌ها در روزن ۱۹۶۷ سرزمین‌های بیشتری از اعراب را با زور در اشغال خود درآوردند و مصراند که آنها را در زیر سلطه‌ی خود نگه دارند. در این مورد هم بدون هیچگونه شکی جواب معلوم است حق با خلق‌های عرب است - اسرائیل تجاوزگر و اشغال گر می‌باشد.

۲- توده‌های خلق فلسطین و دیگر خلق‌های عرب بطور بزرگ‌تری آگاهی سیاسی می‌یابند و برای کسب حقوق خود مصمم می‌گردند و اخیراً پس از حمله ارتش ارتجاعی لبنان به اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی در لبنان، حتی بعضی از گزارش‌گران غربی که از این اردوگاه‌ها دیدن کردند، اقرار می‌کنند که اردوگاه‌ها در حقیقت مدرسه انقلابی است، از زن و مرد، پیر و جوان مصمم اند به میهن خود فلسطین برگردند، آگاهند که موفقیت اسرائیل موقتی است و از دیدگاه درازمدت آن‌ها پیروزی می‌شوند. آگاهند که باید با زور حق خود را بستانند. خبرنگاران هنگامیکه با چهره‌های بیسرفروخته‌ی پر از خشم زنان و مردان فلسطینی در اردوگاه مشاهده‌کنان روبرو شدند، بقدری تعجب نمودند که لحظه‌ای فکر کردند در اردوگاه "ارتش آزاد یخخش فلسطین" هستند. این توده‌ای است از یک جریسان عمیق و وسیع انقلابی در سراسر جهان عرب. این دومین دلیلی است که چرا شعله‌های انقلاب فلسطین خاموش ننشاندی است.

۳- سازمان‌های سیاسی و انقلابی خلق فلسطین در پرتو آرمایش سرزمین بیرون می‌آیند و در تجربه و عمل آیدیده‌تری می‌شوند: این سازمان‌ها هر روز عمیق‌تر و همه جانبه‌تر تجارب غنی انقلاب را جمع‌بندی می‌کنند با توده‌ها پیاور فزاینده‌تری پیوند می‌نمایند و اتحاد خود را استحکام می‌بخشند. یک جریان عمیق نوسازی تمام سازمان‌های سیاسی فلسطینی را پس از یکست ستامبر ۱۹۷۰ فرا گرفت. در حقیقت امر بد به امر خوب تبدیل می‌شود. این است سومین دلیلی که چرا شعله‌های انقلاب خلق فلسطین خاموش نشدنی است.

انقلاب فلسطین امر توده‌های فلسطینی توده‌های عرب و تمام توده‌های سراسر جهان است. هر چه امیر توده‌های میلیونی باشد، دیر یا زود به پیروزی می‌رسد. جهان را توده‌ها می‌سازند و انتخاب فلسطین هم جزء جهانی است که هم اکنون توده‌ها دست اندر ساختار هستند. پیروزی انقلاب فلسطین حتمی است!

\* اخیراً سوسیال - امپریالیست‌های شوروی سیاست مهاجرت‌گرایی را دنبال می‌کنند. هر روز به تعداد مهاجرین یهودی از شوروی اضافه می‌شود. فقط در سال ۱۹۷۲ در حدود ۶۱ هزار نفر درخواست ترک شوروی را کردند و به ۶۰۰۰ نفر اجازه مهاجرت داده شد. از ابتدای سال ۱۹۷۳ ۱۱۴۰۰۰ نفر درخواست مهاجرت کرده‌اند و ۱۰۱۰۰ نفر تا بحال شوروی را ترک کرده‌اند. از جمله نکات مورد توافق نیکسون و بزرگرف اجازه مهاجرت حد اقل ۳۰۰۰ نفر رماه از شوروی به اسرائیل است. این سیاست نیز همانند سیاست نه صلح نه جنگ "در جهت تحکیم صهیونیسم است.

### به ملتیم

از: محمد درویش  
لگام بر دهانش زده‌اند  
دستپایش را پای دیوار مرگ بسته‌اند  
تازه به او می‌گویند: قاتل توئی!  
خوراک، یونان و دارائیش را روده‌اند  
او را در سلول مردگان انداخته‌اند  
تازه به او می‌گویند: دردت توئی!  
از خاشاکش رانده‌اند  
وطن عزیزش را از جنکش روده‌اند  
تازه به او می‌گویند: تو اقلیت و پناهنده‌ای!  
ای جنمها و دستپایت خونین!

## برنامه پنجم (۲)

(موازنه ارزی)

یکی از تبلیغات پسر و صدای رژیم در مورد برنامه پنجم ادعای اومنی بر وجود مازاد در موازنه ارزی کشور است. البته این اولین باری نیست که رژیم از بهیو وضع ارزی کشور دم می‌زند. در گون جلوه دادن واقعاً از تیره‌های قدیمی رژیم است. حتی آمار دولتی که در صحت آن همیشه باید شک داشت نیز حاکی از کسری موازنه ارزی است.

بنا بر آمار دولتی وضع ارزی کشور در برنامه پنجم بایستی مطابق با جدول زیر باشد (آمار از کیهان هوایی ۲۶ دیماه ۱۳۵۱):

دریافتها میلیون دلار	پرداختها میلیون دلار
صادرات نفت ۲۴۰۵۰	بهره‌وامهای خارجی ۱۲۰۷
صادرات کالا ۳۶۹۸	واردات کالا ۲۵۸۶۲
خدمات ۱۹۵۳	خدمات ۲۴۳۹
	بازپرداخت‌های خارجی ۳۹۰۷
	بازپرداخت‌وام خصوصی و سرمایه گذاری در خارج ۷۵۴
جمع ۲۷۷۰۱	جمع ۳۵۱۶۹

بنابراین طبق همین آمار دولتی ۷۴۶۸ میلیون دلار کسری در موازنه ارزی برنامه پنجم موجود است.

بنظر بر کردن این کسری، رژیم از تنها راه جاره خود استفاده کرده و دست بسوی امپریالیست‌ها دراز می‌کند و وام‌های متعدد با بهره‌های سنگین از جانب آنها سرازیر ایران می‌شود. رژیم متقلب است و سعی فراوان دارد با قرار دادن وام‌ها و اعتبارات خارجی در بخش درآمد ارزی ادعا کند که موازنه ارزی کشور مازاد خواهد داشت. دریافت‌وام و اعتبار با اینکه جز دریافتی است ولی بمعنای درآمد ارزی نیست چه از یک سو در زمانیکه در موازنه ارزی کشور تعادلی موجود نیست، بخش‌وام و اعتبار بر کردن این کسری استوار می‌شود. این وام‌ها و اعتبارات بایستی با بهره‌گرازی دوباره به خارج پرداخت شود و علاوه بر این از آنجا که بین از نصف آن فوراً به عنوان بهره و بازپرداخت‌وام‌ها سابق بایستی از کشور خارج کرد حتی همه آن نیز در خدمت موازنه ارزی قرار نمی‌گیرد. جدول زیر بیانگر این مساله است. (ارقام به میلیارد ریال):

برنامه عمرانی وام خارجی بازپرداخت	بازپرداخت	بهره پرداخت
سوم ۲۴/۳	۸/۷	۵/۵
چهارم ۱۵۰/۶	۲۸/۴	۱۸/۶
پنجم ۴۳۳/۴	۱۲۹/۴	۹۲/۳

تقلب رژیم به اینجا ختم نمی‌شود. ما در زیر چند نکته می‌آوریم تا نشان دهیم که چگونه آمار رژیم انعکاسی از واقعیت نیست:

۱- آنچه که دولت در مورد پرداخت بهره وام‌های خارجی به مبلغ ۲۰۷ میلیون دلار یا ۸۴ میلیارد ریال اعلام میکند دروغی بیش نیست چه پرداخت بهره وام خارجی تنها از جانب دولت در عرض برنامه پنجم مطابق با آمار تهران اکتومبست ۳۰ دیماه ۱۳۵۱ صفحه ۶۱ رتم ۹۲/۳ - ۱ میلیارد ریال است که به این مبلغ بایستی بهره وام‌ها خارجی بخش خصوصی نیز اضافه شود که به مراتب از رقم ادعائی رژیم بیشتر خواهد شد. بهره وام‌های خارجی درآمد ثابتی است که امپریالیست‌ها دارند و هر ساله مبلغ زیادی از ثروت ملی کشور بدین منظور خارج شده و به جیب بانک‌های خارجی و امپریالیست‌ها می‌ریزد.

۲- پرداخت بهره و اصل وام‌های متعدد دیگری نیز که خارج از محدوده فرضی برنامه پنجم و اگر بمنظور خرید تسلیحات نظامی مانند اعتبار ۳ میلیارد دلاری از آمریکا و ۶۰۰ میلیون دلاری از انگلستان دریافت می‌شود بایستی به ستون پرداخت‌های ارزی کشور افزوده

همانا شب گذرا است  
نه بازداشتگاه می‌ماند  
نه حلقه‌های زنجیر  
زبون مُرد: اما رُم باقی ماند  
دانه‌های خشکیده‌ی خونه‌ها  
دمی دره را بر از خونه خواهد ساخت.

این دو اعتبار خرید تسلیحات نظامی مقدمی خرسند میلیاردها دلار تجهیزات نظامی دیگر در سالهای آید است تا رژیم شاه بتواند نشان‌راند ارضی خلیج را که امیر - یالیست‌ها به بدهی او کرده‌اند بازی کند.

۳- از آنجا که بسیاری از شرکت‌ها بانک‌ها و موسسات خصوصی در ایران یا سرمایه خارجی بنیان نگه‌اری شده و بخش بزرگی از سهام آنها به سرمایه داران خارجی تعلق دارد قسمت اعظم درآمد حاصله از این موسسات نیز به خارج از کشور انتقال می‌یابد که بنوبه خود رقم قابل توجهی را تشکیل می‌دهد. ولی در آمار دولتی هیچگاه از آنها نشانی نیست.

۴- انتقال سرمایه افراد دربار و راستکاران به آن راه به خارج از کشور و هزینه‌های کراف تجلی آنها را نیز می‌بایست به بخش پرداخت اعتبار ارزی کشور افزود. ولخرجیها و تجملات طبقات حاکمه ایران که در رأس آن‌ها دربار سلوئی قرار دارد زمانبر خاص و عام است. از وان بلورین فرج و مسلسل جواهر نشان شاه از میلیونها دلار هزینه جشنهای ۲۵۰۰ ساله صحنه‌های کسم چه آنها ساخته شده‌اند.

این روزها در زیر آسمان ایران جایی که میلیونها انسان زحمتکش در فقر و بدبختی بسر می‌برند، حاشیکه در سال گذشته بر اثر زلزله دهها هزار در عیان زحمتکش روبرو آرد های گلی جان سپردند، اشرف پهلوی سفیر سفیر ساختن "کاخ مروارید" است، کاخی که از نشانه‌های معماری ساختمان و حتی بنای آن خارج وارد می‌شود. هزینه آن جز مسائل "مهرمانه‌ی دربار است ولی مطابق با تخمین متخصصین میلیونها دلار می‌باشد. سهم ارزی "کاخ مروارید" اشرف و دهها تیره دیگر از این در خدمت بخش برنامه پنجم به حساب آمده است؟

۵- در حال حاضر حدود ۲۰ هزار مستشار و متخصص خارجی در ایران هستند که هر یک درآمدی هنگفت و چند برابر همکاران ایرانی خود داشته و سالانه میلیونها ریال از ارز کشور را خارج اشغال می‌دهند. این خروج ارز نیز چون نمونه‌های دیگر همگانه در آمار دولتی به حساب نمی‌آید.

علاوه بر این ها صادرات نفت که درآمد اصلی ارزی ایران را تشکیل می‌دهد و اساساً در دست یهود بر مقدار بیشتر در خدمت امپریالیست‌ها که کرده می‌شود رابطه‌ی طبیعی با اقتصاد ملی کشور ندارد و رژیم که قادر بسته توسعه اقتصاد ملی نیست به افزایش تولید و صادرات نفت دست می‌زند تا بتواند قدری از کمبود موازنه ارزی را جبران کند.

کسری در موازنه ارزی کشور با توجه به این امر کسه استثنائی و برای اولین بار نبوده، سال بسال بیشترند و در هر برنامه‌ی عمرانی افزایش یافته است و رتسنگی اقتصادی ایران را بدنیال خواهد داشت. دریافت وام‌های سنگین با بهره‌های کراف و جلب سرمایه‌های خارجی نیز مشکل‌گشای این مساله نخواهد بود و نتیجه آن تسلط بیشتر امپریالیست‌ها بر شرایعهای اقتصادی کشور و خروج بیشتر ارز از کشور است.

ادعای بهبود ارزی دروغی بیش نیست و آن جسه واقعیت امر را تشکیل می‌دهد افزایش کسری در موازنه ارزی نسبت به سابق و افزایش بد هنگامیهای دولت و کشور به خارج بعلت وام‌های متعدد و از جمله وام‌های سنگین نظامی است.

"موفقیت خیره‌کننده رژیم در این زمینه ۴/۵ برابر شدن بد هنگامیهای دولت به خارج و بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار در پایان برنامه پنجم است که اثرات ناگوار خود را بر اقتصاد ایران بجا خواهد گذاشت.

رژیم وابسته محمد رضاشاه قادر به تعادل موازنه ارزی نیست. تنها با سیاست اقتصادی دژراسی نویسن یعنی ملی کردن تمام موسسات امپریالیستی و گمراه‌وری حل ریشه‌ای مساله ارضی کمکه فعال به سرمایه‌های ملی قطع ثوری ولخرجیهای طبقات حاکم و جلوگیری از صدور سرمایه بخارج از جانب آنها، تقطیل هزینه‌های سرمایه آور ارتش، از بین بردن بیگاری و بسیج توده‌های خلق برای شرکت فعال در امر تولید است که می‌توان اصل آنکه به نیروی خود را در جهان کبونی به اجرا در آورد و موازنه ارزی کشور را متعادل ساخت و اینکار تنها بدست طبقات و اقشار ضد امپریالیستی و ضد فئودالی امکان پذیر است. رژیمی که به گمراه‌ورشا و مالکین ارضی آنکه دارد و در راستی به امپریالیست‌ها است به‌جز قادر نیست معضلات اقتصاد می‌مبهن مارا بطور ریشه‌ای حل نماید.

## زنده باد همبستگی انقلابی خلق‌های ایران و عرب

نیستیهای خروشنجی به انقلاب کنگ و الجزیره سازش و معامله با امپریالیسم آمریکا در جریانات بحران دریای کارائیب تجاوز امپریالیستی به جکسلوکی کوشش برادر محاصره چین توده ای و تجاوز به مرزهای آن کشور "حاکمیت محدود" برزنفو... نمونه های بود که کوه... نیستیهای واقعی و خلقهای جهان را به نقش خائنانهی سوسیال - امپریالیستیهای شوروی نگاه ساخته و به برخورد و مبارزه با آنها پرداخت .

در این برخورد بود که کمونیستها توانستند به نقش تاریخی پرولتاریا و اهمیت دیکتاتوری پرولتاریا به صحت تخطی ناپذیر انقلاب قهرآمیز ، به لزوم باکیزه نگه داشتن صفوف احزاب کارگری از خائنین به طبقه کارگر و خادمین به سرمایه داری ، به اصل انگا به نیروی خود و بسط همبستگی بین المللی کارگری بینتری برده و آگاهی و هشیاری خود را بالا برند .

سازمان ما نیز در این دهسال گذشته علاوه بر امرختن از معلم نمونه منق وویزیویستیهای شوروی رهگیر حزب توده با سرمد اران انحلال طلب بعنوان معلم نمونه منق دیگری برخورد داشته و از آنها آموخته است سرمد اران انحلال طلب خود را مرکز جهان محور انقلاب ایران می دانستند ، تکرر و غرور سرپای آنها را فرا گرفته بود ، آنها خود را متغییر و تنگیلات را تابع می دانستند ، اراده ی فردی را مقدم بر اراده ی جمعی و تنگیلات شمرده و انارتیسم را بجای انضباط پرولتری می نهادند . در حقیقت آنها در ظاهر در تنگیلات بود ولی در باطن بر ضد آن عمل می کردند . کردار و گفتار سرمد اران انحلال طلب بعنوان نمونه منق ما را بران داشت که به اهمیت بیشتر تنگیلات و کار سازما ندهی ، اعتماد به توده ها ، تعمیم از جمع و تنگیلات و اجزای انضباط تنگیلاتی بی بریم .

وجود خائنین در کلبه ی جنبشهای انقلابی با اینکه تعداد بسیار کوچکی را تشکیل می دهند ، واقعیتی است عینی و تا زمانیکه مبارزه طبقاتی ادامه دارد یا جنبش کسانی نیز برخورد خواهیم داشت ، آنها منافع شخصی خود را بیشتر از هر چیز دیگر عزیز می دارند ، از سختی ها و مشکلات بیزارند و راحت طلبی را پیشه می کنند از مرگ وحشت دارند و برای ادامه زندگی حاضرند در کذب ترین تبلیغات غوطه ور شوند . ایان نیز معلما نمونه منق هستند .

رزمی شاه با " بزرگ " جلوه دادن خائنینی از قما تن لاشائی قصد دارد ، انقلابیون را به آینده تاشانک نسا

امید ساخته روحیه نزلزل بوجود آورده ، نرفته افکسی کرده و حق را سبب به سازشهای خلقی و امر انقلابی بدین سازد . زعی فکر ماضی خلق و مبارزین انقلابی به عیان شاهد جنایات و خیانتهای متعدد رزم هستند ، آنها هزاران قربانی انقلاب را بخاطر دارند ، اندامها متعدد انقلابیون را می بیند ، شاهد اراده ی استوار و ایمان راسخ مبارزانی هزاران سپید و زندانی سیاسی هستند و خائینی چند به عسوجوه قادر نیستند که خللی در ایمان آنها به مبارزه و سروری وارد سازند ، بر عسکرها باعث بالا رفتن نفرت انقلابیون به رزم می کردند . تاریخ اخیر میهن ما توهان این امر است . خیانت و دروغی بیبرای ما ، برده ی شاور... نتوانست در ایمان راسخ و اراده ی آئین روزنه ها ، میامیکها و... خللی وارد سازد . خیانت گانهای ما و بقائنی ما بر سر کلبه ی فاطمی ما و رزم پر شیرازی ما نسبت به در سار سبلی افزود . خیانت لاشائی نیز خارج از این نیست همان گونه که مبارزات بیکر مردم نشان می دهد که نه تنها ناسری در بائین آمدن روحیه ها نداشته بلکه نفرت انقلابیون را نسبت به رزم امروسی بخشیده و اراده ی آنها را استوار تر ساخته است .

خلق در مقایسه اعمال و نظریات ارتجاعی با اعمال و نظریات انقلابی است که به طرد نادرست و حفظ و تحکیم درست می بردارد . کمونیستها به نقش خلقی توده ها ایمان دارند و مطمئن اند که توده ها در صورتیکه در راه آگاهی آنها قدم برداشته شود نظریات و اعمال ارتجاعی را می بردارند و با هر آنچه که ارتجاعی است به مخالفت می پردازند .

معلمان نمونه منق در خلال سیر حرکت تاریخ قرار نرفته اند و برخلاف خواستهای توده ها عمل می کنند ، آنان محکوم به زوال اند و از این روست که توده ها به نشن آنها حوی آگاهی می یابند و با عراضه که آنها موافقت مبارزه می کنند واز هر چه که آنها رد کنند ، جاسداری می کنند .

بقیه : هدی قدیمی... جلب نماید ، بالا برد و از این طریق توطئه رزم را بار دیگر در هم شکند . سیاست رزم تنها در جاشی مؤثر است که آگاهی توده ها یابین یابند .

بدین ترتیب جانب دیگر این سیاست ارتجاعی یعنی مدفرا ساختن فعالین و نگار بردن " نازیانه " علیه آنها بسا شکست حتی روبرو خواهد شد .

ثالثا - با ایجاد وسیعترین وحدت ممکن در مبارزه مشترک علیه توطئه های نوین رزم ، جنبش دانشجویی قاطر است چون درزی مستحکم در عمل ، سیاستهای تفرقه افکنانه رزم را در هم شکند .

ما مطمئیم که دانشجویان مبارز بدور از هر گونه خیال واهی نسبت به توطئه های رزم یا هشیاری عمل خواهند کرد . صفوف خود را فترده تر و متحد تر نموده و سنت رزنده جنبش " اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " را باز هم غنی تر خواهند ساخت .

\* برای نمونه در سال گذشته به تعداد نشریاتی که رزم غیر مستقیم میان دانشجویان خارج بخش می کشد افزوده شده ، به مجرد ورود اردن سیر زاهدی به آمریکا چندین دفتر اطلاعاتی برای " راهنمایی " دانشجویان تاسیس گردیده ، تعداد یارتری ها و جشن های مختلف زیر نام های مستعار سفارتخانه ها زیاد تر شده است .

بقیه : سالگرد اردوگاه... و هسای افزایش تهاجمات امپریالیستی - ارتجاعی به میهن ما ، دوره های سیاسی و نظامی راستتر داده ام .

س- برای بالا بردن آگاهی سیاسی رزمندگان چه مویضاتی را انتخاب کرده اید ؟

ج - به قرار زیرند :

۱- راهنمایی سیاسی که دربرگیرنده ی نکات زیرند : الف- انضباط انقلابی ، پای بندی و وفاداری به انقلاب ، فعالیت هستکی و بلان انقلابی

ب- بافتاری روی مامیت انقلاب ، بکراتیک ملی و در این زمینه توجه به مطالب زیر - ته میق وحدت بین نیروهای انقلابی ، د مکرانیک و ملی .

ج- توضیح هدفها و برنامه ی کار انقلاب ب مکرانیک ملی .

د- توضیح اشکال مختلف مبارزه و جنگوکی بکار برد آنها همراه با تاکید بر اتم پیرو

اینکه قهر صلحانه توده ای است که نادر است رزم استعماری - ارتجاعی را خورد کند و آزادی سپین میسر نخواهد شد مگر از طریق شرکت تمام توده ها ، در جنگ انقلابی جهت نابود ساختن رزمنظامی ملی خود و کسب حاکمیت خلق .

۲- برنامه کار مکرانیک ملی که ککره تاریخی اعلیش تعیین نمود .

۳- بررسی و تحقیق در باره تاریخ جنبش ملیسی و نیامهای ملی که در عمان و خلیج عربی صورت گرفته است .

۴- بررسی و تحقیق در باره جنبشهای آزاد بیختر ملی عرب و جهان .

تاکید ما بر روی یاد گرفتن از نمونه های خلقی ، به معنای ناپذیره گرفتن جنبه عمده ترین نمونه منبست است . اصولا نقش آموزش از نمونه منق زمانی مؤثر می افتد که با نمونه منبست در مقایسه قرار گیرد . اعمال و نظریات معلمان نمونه منق زمینه و امکان طرد نشان را بسپا می سازد و این هنوز نصف جریان است . بسرای تبدیل این امکان به واقعیت و استفاده از زمینه موجود ، انقلابیون با نگار برد شیوه های مناسب بکار توضیحی بین توده ها پرداخته ، نظریات و اعمال ارتجاعی را افشا می سازند ، نظریات درست را در برابر نظریات سخی که ازده ، در مقابل آید توله زبیهای ارتجاعی آید ، توله ی پرولتری را فرار داده ، در مقابل تفرقه افکسی ارتجاع به امر وحدت خلق تکیه کرده ، در برابر حمله دشمن به سازمان یا گروهی ، به خائنداری از آنها و بر ملا ساختن نقشه های دشمن پرداخته و با قرار دادن نمونه های مثبت و دستاورد های خلق در برابر نمونه های منفی که ارتجاع تبلیغ می کند ، به بسج بیشتر توده های منق که ارتجاع تبلیغ می کند ، به بسج بیشتر توده ها برداخته ، به مبارزه ی متحد و یکپارچه تکیه بیشتر کرده و بر سه طرد افکار و اعمال ارتجاعی را تسریع می کند . در این روند است که تراثت نا مساعد بسج مساعد و امر به به امر خوب تبدیل خواهد شد .

# ستاره سرخ و خوانندگان

\* جای مقالات آید تلوویزیک مدتی است در " ستاره سرخ " خالی است . برای این کار می توانید از مشاهده طرفه اران " ستاره سرخ " استفاده کنید . جدا ناسری که یک مقاله ما ننند " کودگان ما و کودگان آنها " بر روی یک فرد دور از وطن می گذارد ، به ها مقاله ی تحلیلی نمی گذارد .

ستاره سرخ : با تو موافقیم . اساس تغییر آید تلووری روشنفکران را ، تغییر احساسات طبقاتی تشکیل می دهد . تربیت طبقاتی - آگاهی یافتن از وضع ناسامان توده ها ، از ظلم و سستی که مستمران در مورد آنها روا می دارند و درک علل وجود این اوضاع ، جای برجسته ای را در مبارزه برای تغییر آید تلووری بر می کند . ما تا اندازهای به این امر واقف بودیم اما هنوز کمبود داریم که امیدواریم با کمک خوانندگان انقلابی خود ، همانطور که تونو شده ای با ارسال مشاهده اشان گاهی در جهت رفع آن بودیم .

\* در مورد مقاله " شاه و سوسیال - امپریالیسم " ستاره سرخ " شماره ۲۴ " روشن نیست چرا شاه با سوسیال - امپریالیسم گسار آمده است و نقش شاه در این میان چیست . می بایستی در جارجوب سیاست اثر قدرت ها نقش شاه و منافع او شکافته می شد . اصولا یکی از انگللات " ستاره سرخ " این است که هیچوقت یک مقاله ی جامعی در باره سوسیال - امپریالیسم شوروی ننوشته است . علاوه بر این در این مقاله آمده است : " در واقع سر منشا " اساسی تمام های کونی خاور میانه را امپریالیستها و سوسیال - امپریالیستها تشکیل می دهند " در حالیکه " سر منشا " تضاد بین انقلاب و ضد انقلاب است .

ستاره سرخ : امیدواریم در آئینده مقالات مفصل تری در باره سوسیال - امپریالیسم شوروی و بنویسم . اما در مورد تکیه انتقادی شما ، رجوع کردیم یک امتیاز کوچک که می تواند معنی را کاملاً عوض کند . رخ داده است ما نوشته بودیم " سر منشا " اساسی شدید تضادها کونی ... شما گفته شدید را ناپذیره گرفته اید . علاوه بر این باید چند جمله بالا و یائین را هم در نظر گرفت ما آن را نقل می کنیم : " استعمارگران نوین شوروی و امپریالیسم آمریکا در عین تهنای باهم شدیدا رقابت دارند و این رقابت ، اثر قدرت در خاور میانه جر قدر

و بد بختی مستو ملی و آوارگی میلیونها انسان زحمتکش نتیجه ای ندارد .

در واقع سر منشا " شدید تضاد های کونی خاور میانه را امپریالیستها و سوسیال - امپریالیستها تشکیل می دهند این امپریالیستها بودند که در طلب سرزمین های عرب اسرائیلی را بوجود آوردند ، آن را بروراندند و امروز با تمام توانا حفظ می نمایند . این سوسیال - امپریالیستها هستند که از اوضاع " نه صلح و نه جنگ " گونی کمال سوء استفاده را می کنند .

\* " یک مقدار سبک نگارش مقالات احتیاج به ساده نویسی بیشتر دارند . هنوز بوی شمار و جملات شعاری از نوی مقالات استنظام می شود و چه بهتر که سعی کنیم ساده بنویسم . بعد از مدتی خواندن یکسری جملات و شمارها ، محذوای واقعی آنها فراموش می شوند و خواننده عا د می کند ، با نگاهی سطحی از آنها گذشته و دنبال " تکیه اصلی مقاله " می گردد .

ستاره سرخ : انتقاد تو در مورد ساده نویسی و بسا " شعاری " نوشتن وارد است . در مورد این کمبود خود در شماره قبل نوشتیم : " ما به کمبود بزرگ خود در این مورد واقفیم و در این زمینه هنوز یک راه بیامی بسپار ، طوالاتی را در پیش داریم - انتقاد تو ما را واداشت که به مطالعه ی مجدد اثر رفیق " توتسه دون " مبارزه علیه سبک الگو سازی در حزب" پیروزیم . در جریان این مطالعه باز هم بیشتر به کمبود خود واقف شدیم . رفیق مائوتسه دون نمونه مثبت لئینی را در مورد کار تبلیغاتی بیان می کند که بطور او با تکیه بر کارگرنانی که " کاملاً به وضع کارخانه ها وارد بودند " دست به نوشتن تراکتها یا بیانه های سیاسی میزد . در این مورد به نقل از " تاریخ حزب کمونیست ( بلشویک ) " می نویسد : در پایان سال ۱۸۹۴ لنین با شرکت باوونسکن کارگر ، نخستین تراکت تبلیغی را خطاب به کارگرنانی که در کارخانه سمیانیکوف در بتربورک ، اعتصاب کرده بودند ، نگاشت . " در معرفی در مورد ساده نویسی چنین می گوید : " باید

آموخت که با توده ها نه به زبان فرمولهای گنایی بلکه بسا زبان مبارزان امر توده ها صحبت نمود ، زبانی که هر کلاً آن ، هر آید آن ، اندیشه ها و احساسات سلونیها زحمتکش را منعکس می کند . " و به این گفته در معرفی ما باید در رابطه با خود مان یک تکیه را ناید کنیم که به برای اینکه به زبان توده ها صحبت کرد باید در درجه اول با آنها بیوند برقرار ساخت . مقاله ای که در برابر گل جنبش کمونیستی و روشنفکران انقلابی قرار گرفته است ، خوانندگان ستاره سرخ چندین شعر از سروده های خود را فرستاده اند . با توجه به محدود بودن صفحات ستاره سرخ بخشهایی از آن اشعار را می آوریم .

- خواننده ای با الهام از نامه رفیق سیریس سهاوندی " از جنگ در خیماں فرار کردم و از قلنگاه اوین بیرون آمدم تا با تدارک بیشتر و بهتری یک تکیه هم با انگا بسج خلق ریشه آنها را براندازیم . " شعر زیر را سروده است :  
مادرم ! توده های میلیونی !  
آدم تا که به دامان تو سرنگ آمدم ،  
از ستم های گران و زبیداد همه اهرمان  
در سرم شور عظیم و به ستم زخم فراوان دارم .

( ..... )  
تن و دل غرقه به خون  
سوی تو آمده ام .  
قدرتم توده دست بر سینه مجروحم نه  
تا به نگرانه ی حسم و عصبت  
عمره پارام ریشه شان را بدر آوریم ز بیخ  
و بسوزانیم در رهنگر باد سحر .

- دوست مبارزی همکاری خود را با ستاره سرخ با ارسال چند قطعه شعر شروع کرده است . ما صمیمانه دست او را می فشاریم و به همکاری او و سایر خوانندگان ستاره سرخ نیازمندیم .  
ای فرشته تسلیم !  
ای غروبک سخی  
غافل ز سنگ و سیو  
از جنگ هاره ها  
ای بی خبر !  
ز هساقوی هند و چین  
افتاده دور !  
از نجات آوارگان فلسطین  
( ..... )  
هلا فرشته ی تسلیم !  
در آسمان بر ستاره تاریخ

بسی سالهای سال  
پرواز بالهای " زرنبت " به بن بست خورده است .  
و هر ستاره می داند :  
نسا فرشته ی آزادی جهان  
جلال قدرت بیوند خلقها ست .

- خواننده ی دیگری یکی از اشعار خود را فرستاده که حاکی از نفرت عمیق او نسبت به رژیم شاه است . از این همکاری تو خوشحالم و امیدواریم که ما را بیشتر یاری کنی .  
( ..... )  
کیست آن دست قوی پنجه که با هلهله ها  
نیشته ی عمر شبی خورد کند  
تا که از محبس آن درینها  
همه آزاد شوند .  
( ..... )  
تا که بار در کرا این ویرانه  
سبز و خرم بشود چون گلزار  
تا که بار در کرا این جغد " سیا " میهنم ترک کند  
رخت بر بندد از این بوم دیار .

تصحیح اشتباه چاپی  
در شماره ۲۶ " ستاره سرخ " صفحه سوم ، ستون اول ، سطر نهم از پائین بجای کلمه " بوده " می بایستی کلمه " نبوده " گذاشته شود .

بما همکاری کنید!  
نشانی توده و ستاره سرخ  
Mina PAOLA DI CORI  
C.P. 403 S.SILVESTRO  
ROMA ITALY

## به پیش در سمت پیوند با کارگران و دهقانان

# اخبار و تفسیر

انفرد هفتاد و هفت نفر عضو سازمان سرکبکهای فدائی خلق توانستند با استفاده از فرصت مناسب از زندان تاسا ه بگریزند. این سومین باری بود که یکی از مبارزین در زندان سالهای اخیر موفق به فرار شد. پس از فرار رضا رضایی و سیروس نیاوندی، فرار انفرادی هفتاد و هفت نفر دیگر است برای انقلابیون و قهرمانان فدائی است بر سر نگاهبان امنیتی رژیم. این خبر به یقین کبک انقلابیون را خوشحالا ساخته است.

در دو سه سال گذشته زنان روشنفکر ایران با از خود گذشتگی بی سابقه ای در برابر رژیم دست نشانده امپریالیستها استفاده و بجرم مبارزه را برافراشته نگه داشتند. زنان رنجگزار ایران حالهای سال است که در سخت ترین شرایط زندگی و در زیر ستم چند لایه طبقاتی جاگاه و سن سوسیده خودالی بسر می برند و هر روز متحمل شکنجه های زیادی هستند. "آزادی زنان" اهدائی شده نه می تواند مسائل عینی آنها را که باعث دریند بودنشان است حل کند و نه آنها را تحمیل خود خواهد کرد. زنان روشنفکر و بخصوص دختران دانشجو ایران دوش به دوش برادران خود مبارزه کرده و زندانی و حتی کشته شده اند. سرکوبی و فشارهای رژیم تنها افتخار به مبارزه را در آنها تقویت می کند و باعث می گردد فدائیکارها و ابتکار آنها در برابر مصائب و مشکلات بیشتر شود. دفاعه سپهر توکل یکی دیگر از زنان مبارز و عضو سازمان سرکبکهای فدائی خلق "در دادگاه نظامی شاه نشانه خوبی است."

سپهر توکل در دفاعیات خود در دادگاه عادی شماره ۲ دادرسی ارتش در روز ۲۳ اسفند ماه ۱۳۵۰ مسی گوید: "... در طی مدت بازداشت در شهرهای اراک هیچگونه اعمال و رفتار غیر انسانی کوتاهی نشده و اکثرا چهار دست و پا به زنجیر کشیده شده بود. اینک می رسم در نگاه حاکمان حاکمیت به رهبری سرکبکهای فدائی خلق را کاکسبر مبرمی می کند؟ آیا نباید بجای من اس ۶ حاکمیت امپریالیست سرکبکهای فدائی خلق را در این دادگاه محاکمه نمود؟ آیا تاکنون هیچ جنایتکاری هیچ کاکسبری هیچ عضو فدائیان دست به این جنایتها کرده است؟ ایان مستند که بیام نس محافظ مردم، با حمایت و جسدانه خود بفرستد و ناموس این ملت مسخر شده اند. ... من می خواهم که در جامعه ای آزاد و منصفی زندگی کرده، در جهان جامعه ای صدمه از برورن هم. من به ابتکار و عقائد شوهرم احترام می گذارم و عقائدش دستن زدنم. بر حزب اظهارات وکیل مدافع سحرری من در مجلسان موعوب احضامتی عقابانده ای قرار ندانم که کورگوراً از دستورهای شوهرم تبعیت کنم و یا در وضعی بانتم که او مرا تحت فشار و اجبار قرار داده باشد. من پس خلو و به راه جنبش افتخار داشتم من همواره در زندان عمامت که نایبندی خراسان دیگری است هدفم خدمت به مردم و از بین بردن فقر و بسوادی و تضاد های اجتماعی بوده است. برای من در کفر خواست صادره تقاضای اعدام شده است. من ضمن اینکه انبیا مات وارده را جدا گرد می کنم صراحتاً به شما و اربابان اعلام می کنم که چون من از خون همسر و برادرم رنگین تر نیستم من از مرکز عراسی ندارم. "عنتگیکه رأی دادگاه را خوانندند سپهر با خوسرری گفت: "امروز برآستی حوسری کم که جز زنجیرهای دستم چیزی برای از دست دادن ندارم."

در تاریخ ۴ روهن سرهنگ لویزعاو کیزیکسی از مستشاران نظامی آمریکا در ایران به ضرب گلوله و مبارز از پای در آمد. برخلاف ادعای روزنامه های رژیم که او را افسری معمولی می دانند، وی از افراد مهم مستشاری آمریکا بوده است. غوغا امپریالیستها از اراختر فرود آمدن هم تنها به زمینه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در مین ما خنسم کردید بلکه زمینه نظامی را نیز برداشته است. لذاوی افسر روسیه تزاری در واقع نقش مستشار نظامی محمد علی شاه را داشتند و سرکوب و کشتار مشروطه خواهان دست داشتند (به توب پسن مجلس بصومال) برآرد از ۱۹۱۹ و توق الدوله رسا ارتش ایران را در احبار امپریالیستهای انگلیسی و مستشاران نظامی آنها قرار داد. رضا خان ارتش ارتجاعی خود را با کمک

افسران خارجی و در اواخر کارش با کت افسران فانیست آلمان هیلری تربیت می کرد. در سال ۱۳۳۳ وقتی که اعضای سازمان افسران حزب توده را محاکمه می کردند رفیق شهید سرهنگ سیمک نقش مستشاران نظامی و رابطی آنها را با رژیم شاه افشا کرده و گفت: "... بلی من هر روز صبح تمام اخبار و اطلاعات ژاندارمری را تنظیم می کردم و تحویل یک افسر خارجی می دادم و از این حیث خودم مقصر می دانسم. اما این افسر، افسر شوروی نبوده بلکه یک افسر آمریکایی و مامور سازمان جاسوسی وزارت امور خارجی آمریکا بود که بنام مستشار در راس ژاندارمری مین من قرار داشت و من این عمل سنگین را به موجب دستور "شخص بزرگ" ارتشداران فرمانده انجام می دادم. ..."

بعد از کودتای خائنه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تعداد مستشاران نظامی آمریکا روز بروز زیادتر شد و از حقوق مختلفی برخوردار گشتند تا آنجا که مستعطفی منصور در سال ۱۳۴۴ قانون کاپیتولاسیون را خاطراین مستشاران به مجلس برد. مردم ما از همان آغاز در این مورد نیز با تاکیک مشقت در مقابل مشقت علیه امپریالیستها و عوامل مستشاران ما با خاستند. مبارزین در همان موقعی که مستعطفی منصور برای به تصویب رساندن لایحه کاپیتولاسیون به مجلس رفت او را از پای در آوردند. ولی ارتجاع هر روز به خیانت دیگری دست می زد و عده ای دیگر از عمال امپریالیسم را برای حفظ خود مسئول کار می کرد. بر طبق قرارداد خرید چندین میلیارد دلار اسلحه از آمریکا ۶۰۰ مستشار نظامی نیز قرار است تا ماه اوت به ایران بیایند. بر این عده باید تعداد ۳۰۰ مستشار غیر نظامی که در تعلیم خلبانان شرکت خواهند کرد افزوده شود. منابع آمریکایی اذعان بوجود ۵۰۰ مستشار آمریکایی در ارتش ایران کرده اند. به این ترتیب علاوه بر مستشاران نظامی که تحت نامهای مأموریت در حال کارند تا ماه اوت امسال ۱۴۰۰ مستشار نظامی آمریکا در سراسر ارتش مسئول کار خواهند بود. ایین مستشاران تحت رهبری سه ژنرال آمریکایی بنام ویلیامس (فرمانده کل) و روهن (فرمانده بخش نیروی هوایی) و سوسپک (فرمانده بخش نیروی زمینی) هستند. بخش دیگری هم وجود دارد که مسئول هدایت ژاندارمری است طبق گزارش آسونیتد پرس هم اکنون ۱۱ هزار آمریکایی در ایران هستند. مستشاران از حقوق استثنائی برخوردار بوده و برجا و مال مردم زحمتگان بر طبق قانون رژیم محمد رضا شاه می توانستند ستم روا دارند.

زنان ایران در سالهای اخیر در مبارزه علیه ظلم و ستم در نهاد و در سازمان انقلابی بطور استوار ایستاده اند. ویدا حاجبی نیز یکی از آنهایی که با خاطر دفاع از عقایدش ششماه در زندان اوین در زیر سخت ترین شکنجه ها مقاومت کرده و تا آخر به آنچه گفته بود وفادار مانده. از آن جمله است. در یکجا گفته شد که خبر دستگیری ویدا و مقاومت و باید اری او منتشر شده است روزنامه های مختلف بسده جنایات شاه، روهن او، سگرت ششماه در باره سرکوب او، شکنجه های بی حد و حصر به او اعتراض شده است. کردند. ما مطمئیم که نمونه صفت ویدا حاجبی نیز یکی از نقش در برخاستن زنان مبارز دیگر در مبارزه برای رهایی میهن به عهد خواهد داشت.

از زمان دستگیری اعضای "سازمان آزاد پیشخ خلقی های ایران" بیش از یکسال و نیم می گذرد. رژیم به انواع حیل برکراتی فوری دادگاه را که حق قانونی هر "متهم" سیاسی است با این نیت که شاید بتواند با بکار بردن دو شیوه قدیمی شکنجه و تطمیع در اراخترهای راسخ آنها حلی وارد سازد و آنان را به پای دستگاههای تبلیغاتی خود بکشاند. به تعویق انداخت. اما شکنجه های گوناگون و سخت ترین فشارهای مکی جسمی و روانی در این مدت طولانی کارا نند. مأمورین شکنجه بارها تغییر کردند، انواع شکنجه متفاوت اند. فرمان شکنجه طولانی تر کشتولی هر بار رژیم سرانگنده تر و انقلابیون سرازرا تر از این روز روهنی بیرون آمدند. دشمن به توطئه بیسی

جدید برداخت. دستگاههای دولتی تبلیغات و روغن در دادگاه "علنی" براه انداختند تا جهان را وسوس سازند که دادگاه در محیطی "آزاد" تشکیل می شود اما چه کسی استند اند. نه احکام دادگاه فرمایشی از قبل صادر شده، نه نمایان. چنان توسط سازمان امنیت انتخاب می شوند و تبلیغ "علنی" بودن دادگاه ادعائی مزورانه بیش نیست.

این مبارزان با دفاع قاطع از عقائد و نظرات خود نقشه های رژیم را که می خنداشتند می توانند در آخرین مراحل "تربه نامه" و "اظهار شیمایی" بگیرد عقیم گرد و در نتیجه دستگاههای تبلیغاتی اثر که سرو صدای "علنی" بودن دادگاه را براه انداخته بودند، محو شدند در مورد جریانات دادگاه صحبت کنند.

دستگاه حاکم تبلیغات و روغن در دادگاه "علنی" رابراه انداخت تا زمینه قبول تحریفات بعدی دفاعات ایین مبارزان را آماده سازد و هدش از تحریف دفاعات در دادگاه هات آن است که نشست فکری بوجود آورده و در امر شنیدنی و دفاع از این مبارزان از جانب خلق، سازرا و عا و گروههای خلقی و بین المللی خلقی وارد سازد. این سبب لید و تلاش بوحانه رژیم مسلما با شکست روبرو خواهد شد و او قادر نیست با توسل به چنین شیوه ای خلق و انقلابیون را فریفته و آنها را از امر دفاع و پشتیبانی از این مبارزان باز دارد تا با راحتی خاطر توانسته باشند حکم های اعدام و حبسهای طولانی مدت را به مورد اجرا بگرد.

افشای این توطئه رژیم و دفاع راستین و بیگس از این مبارزان و گیکه مبارزان دیگر در مبارزه مشترک خلق، لیسه حکومت شاه و طبقه مبر انقلابی و گیکه سازمانها و گروههای خلقی است. بگوئیم تا با همرا ساختن فتنه گریها و توطئه های رژیم، توده های وسیعی را بسیج کرده و متحد از مشترکاً مبارزه علیه رژیم را به جلو سوق دهیم.

ستوان یک شهرداری احمد باب مسئول زندان ساری با دوش از زندانیان به نامهای شهرامی و کمره ای بسا طرح نقشه ای با در حدود ۲۰ هزار آتشک و ۲۰ عه در طایفه از زندان ساری گریختند. در روز یکشنبه ۶ اردیبهشت شهرداری اطلاعاتی مسخری زیر را صادر می کرد: "مواطب افسران جوان باشند. این خائن آبروی این سازمان را برده. ای احمدیان خائن هر جنابانی بالاخره در جنجال عدالت اسیر خواهی شد. من (رئیس شهرداری) دیگر حظیر و با چه روهنی نزد اریا مه برای افسران نظامی اعزانه حقوق و حق مسکن کم. جنبش مگرانیک و میهنی در قوای نظامی کشور سابقه طولانی دارد. انتشار خبریلا توطئه ایست از ادامه ایین جنبش و به نوبه خود خائن از این جهت که رژیم حتی نمی تواند به ارکان عده در یکانوری خود اطمینان داشته باشد.

"کتاب سرخ" یا نقل قولهایی از آثار مائو تود درون اخیراً توسط سازمان جریک های فدائی خلق در ایران تجدید چاپ و منتشر شده است. جنبش انقلابی میهن ما بیش از هر موقع دیگر احتیاج به تئوری انقلابی دارد. مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه دایتمسه دون سلاح برنده ای است در دست انقلابیون برای مبارزه علیه رویزونیسم حزب توده ایران و هرگونه گرایش انحرافی. بیکر که براه راستین انقلاب توده ای به رهبری پرولتاریا و حزب کمپانی آن کم بها می دهد. بدون شک "کتاب سرخ" نقش خود را در میهن بهمانند تمام سرزمین های جهان در پیبرد انقلاب بازیخوا کرد.

خلقهای قهرمان آفریقا خواهان انقلاب اجتماعی هستند، ملت های درند آفریقا برای آزادی خود از یوغ استعمار آفریقا، نژاد پرستان سفید و دیگر امپریالیست ها و استعمارگران سلاح در کف می جنگند، دولت های ملی آفریقا در برابر سیاستهای نواستعماری مقاومت می کنند. آفریقا به میدان نبرد پهناوری میان انقلاب و ضد انقلاب، آزادی و اسارت، استقلال و وابستگی تبدیل گردیده است. سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج نوشته در باره آفریقا منتشر می کند.

## سالگرد دوگاه انقلابی

در بیستم آوریل امسال "جبهه خلق برای رهایی عمان و خلیج عربی" سومین سالروز تاسیس در اردن انقلابی را در منطقه جنوبی عمان (ظفار) جشن گرفتند. "جبهه خلق برای رهایی عمان و خلیج عربی" دو وظیفه اساسی را (آزاد سازی سرزمین های اشغالی و آزاد ساختن مغزها از فرسنگ استعماری و ارتدعای) با هم و موازی یکدیگر به جلو می برد.

جنگ انقلابی در دهان عرب بویژه در فلسطین و مناطق ساحلی خلیج فارس و منطقه عمان، نقش اساسی را در تربیت توده ها به عهد داشته است. جنگ انقلابی توده ای قادر است توده ها را آگاهی سیاسی دهد، آنها را متحد سازد و به پرولتاریا بین واقعی بدل نماید. کوشش فعالیت فرهنگی "جبهه خلق برای رهایی عمان و خلیج عربی" در سه سال گذشته س از تاسیس در اردن انقلاب توده رهنده ای است که توده ها هر روز آگاه تر می شوند و سرنوشته خود را به دست می گیرند. مساله ای بالا بردن آگاهی سیاسی توده ها به مساله ای مرکزی هر انقلابی است بویژه در منطقه خلیج که در اوضاع کنونی انقلاب برده های بسیار بفرخی را ضی می کند. بفرخی آن هم اساساً از آن ناشی می شود که دو ابر قدرت - امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریال - لیس شوروی برای تسلط بر این منطقه و درهم شکستن انقلاب توده ای با هم در زمین نیایی به رقابت شدند بر - داخته اند.

ما ایمان راسخ داریم که توده های خلق قادرند دشمن واقعی خود را شناسند، توطئه های امپریالیسم ای رنکارنگ و سوسیال - امپریالیستها به همچوجه قادر نیست شطرنجی جنگ توده ای خلق را در سرزمینهای عرب خاموش سازد.

خلقهای ایران و خلقهای عرب در عمان و مناطق خلیج فارس دارای دشمنان مشترکی هستند. بویژه این که رژیم خائن شاه عملاً نقش ژاندارمری را ایفا کرده و هم اکنون در این منطقه ارتش بیاد کرده است. بیروزیهای انقلابی خلقهای عمان و مناطق خلیج فارس در جبهه های نظامی بسیار درخشان بوده است و بکرات در نشریات انقلابی ایرانی انعکاس یافته است. ما در اینجا برای آموزش از انقلاب خلق عرب در عمان و مناطق خلیج فارس بخشی از گزارش را که در ماهنامه "سپهر" روزن "ارکان مرکزی" جبهه خلق برای رهایی عمان و خلیج عربی" - مارس ۷۳ - در باره اردوگاه انقلابی آمده است درج می کنیم:

گزارشگر "۹ یوشن" با رفتن مسئول اردوگاه انقلابی بسی دیدار داشت. آنها در این ملاقات به دستورات گزارشگر، در مورد نقش اردوگاه و موفقیت هایی که در عرض سال گذشته بدست آورده اند پاسخ دادند.

چ - بر اساس مصوبات انقلابی دومین گنگره (۱۹۶۸) تاسیس کردید تا وظایف زیر را انجام دهند:

- ۱- تربیت سیاسی
- ۲- تربیت نظامی
- ۳- از میان بردن بسواد

انقلاب توانست نخستین گروه دختر را گرد آورد و همواره با رشد انقلاب برای مبارزه با دشمن، دانش آن را گسترش دهد. ما از اوائل ۱۹۶۹ در اردوگاه را برپا کردیم و از میان گروه آنها را که شایستگی نوسازی برای تبدیل شدن به کادرهای سیاسی و نظامی نشان دادند، انتخاب نمودیم. انقلاب از اصل اشک به نیروی خود برای رشد امکان ناط خویش حرکت کرد. هدر اردن انقلاب، با اعتقاد به اینکه حرکت زنان در مبارزه راه اساسی گسب آزادی روهانی شان هست، از شرکت زنان استقبال نمود. وظیفه انقلاب بود که تمام امکانات را بکار اندازد تا زنان از آن وضع خارج شوند و سهم خود را در آزادی میهنشان ادا نمایند. از این رو ما تعداد زیادی از زنان را پذیرفتیم. اردوگاه نقش بزرگی در از بین بردن بسواد به بهره داشته است، همچنین سطح نظامی واحد های ارتش آزاد پیشخ توده ای را بالا برد. ما تاکنون موفق به برگزاری چندین دوره تبلیغاتی شده ایم. بنیه در صفحه سوم

# توده های وسیع را در پیکار برای دفاع از زندانیان میهن پرست متشکل کنیم